

حقوق ما

ما از عدالت سہمی داریم

سال ہشتم، شمارہ ۹ / ۲۲۶ / ۱۴۰۳ / ۳۰ اوت ۲۰۲۴

قانون اساسی در دوران گذار



در این شماره می‌خوانید:

قانون اساسی ایران پس‌استبدادی

شرط اصلی در تدوین قانون اساسی آینده ایران؛ پذیرش تکثر و

حذف اصول مادام‌العمر

گفتگوی ملی؛ پیش‌شرط نگارش قانون اساسی آینده

ناکامی مخالفان سیاسی حکومت ایران و مسأله قانون اساسی آینده

دوران گذار و مسأله پیشنهاد نویس قانون اساسی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: محمد مقیمی، مصاحبه‌ها: جواد عباسی توللی، آفاق ربیعی‌زاده

صفحه‌بندی: مهور خوش‌قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



محمد مقیمی

قانون اساسی ایران پسااستبدادی



فقیه که فراتر از جایگاه او در این قانون است، همچنین در بازنگری واپسگرایانه قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و پررنگ‌تر شدن نقش بدعت نامیمون ولایت فقیه، در عمل فلسفه وجودی قانون اساسی که محدود و مشروط کردن قدرت حاکم است، زیر سوال رفت و حکومت مطلقه بیش از پیش استوار گشت. بدون شک یکی از مهمترین موضوعات ایران پسااستبدادی، وجود یک قانون اساسی است که مبتنی بر موازین دموکراتیک، ارزشهای حقوق بشری و اصل سکولاریسم تدوین شده باشد. اما پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، چه مرجعی پیش‌نویس قانون اساسی را تدوین می‌کند و چگونه تصویب می‌شود؟ نقش حقوق‌دانان، نهادهای مدنی و احزاب سیاسی در نگارش قانون اساسی آینده چه خواهد بود؟ مبنای نگارش پیش‌نویس قانون اساسی چه خواهد بود؟ موازین و اسناد بین‌المللی حقوق بشری یا دین اسلام، موازین سنتی، عرف و عادت؟ در پایان ضمانت اجرای قانون اساسی چیست؟ در این یادداشت سعی خواهد شد، بطور اختصار به این پرسش‌ها، پاسخ داده شود.

قانون اساسی برترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم دیگر قوانین و مقررات است. قانون اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور و تعیین

قانون اساسی مهمترین و برترین قانون یک کشور است که اصول بنیادین حاکم بر اداره کشور حدود قدرت زمامداران و رابطه میان حکمرانان با مردم را مشخص می‌کند و تضمین‌کننده حقوق فردی و آزادی‌های عمومی شهروندان است. در واقع، قانون اساسی نتیجه جنبش مشروطه‌خواهی در جهان بوده است که با صدور منشور مگنا کارتا در بریتانیا و وقوع انقلاب فرانسه آغاز و در فرآیندی تاریخی-تدریجی و پس از فرار و نشیب‌های گوناگونی به ایجاد سلطنت دموکراتیک در بریتانیا و جمهوری دموکراتیک در فرانسه منجر شد. دموکراسی‌خواهی در ایران با جنبش مشروطه‌خواهی آغاز و به تدوین قانون اساسی مشروطه و متمم آن انجامید که به دلایل گوناگون چندان موفق نبود، پس از انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ تصویب شد. صرف‌نظر از اینکه به این قانون ایرادات اساسی از لحاظ اصول دموکراتیک وارد است، برخی ظرفیت‌های حقوقی که در آن وجود دارد، نیز هیچگاه اجرا نشد و با صدور احکام حکومتی از سوی ولی

و تضمین کننده حقوق شهروندان یک کشور است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی قانون تعیین کننده نظام حاکم است، قانونی که مشخص می کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکم اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسئولیت هایی در برابر ملت دارند. در حقیقت قانون اساسی محصول مشروطه خواهی است و مشروطه خواهی چیزی جز بیان صلاحیت محدود شده حاکمان نیست^۱. همچنین، قانون

اساسی عناصری مانند پرچم ملی، سرود ملی، اصول حاکم بر ساختار اقتصادی، برنامه های فرهنگی و روابط خارجی کشور را مورد توجه قرار می دهد.

تدوین و تصویب قانون اساسی بستگی به نوع قانون اساسی دارد. در ادامه بطور مختصر به این موضوع می پردازیم.

الف) قانون اساسی عرفی یا نانوشته (غیر مدون) و موضوعه یا نوشته مدون

قانون اساسی عرفی مجموعه ای از اعلامیه ها، منشورها، مصوبات مجلس قانونگذاری شبیه قانون عادی، همچنین عرف و عادات است که قواعد آنها جنبه اساسی دارند. در مقابل قوانین اساسی موضوعه از سوی نهادهای موسس (مجلس موسسان، آراء مردم یا دیگر نهادهایی

یعنی از سوی حاکم به مردم تفویض می شود، در سید فاطمی، سید محمد قاری، «حقوق بشر معاصر، دفتر اول» تهران: انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۹۸.

عمل موضوع همه پرسی منتفی است. باید به حقوق اداری نیز توجه شود. در این راستا، پیش نویس قانون اساسی بایستی از سوی گروهی از حقوقدانان تهیه شود، بدیهی است که این گروه باید از دیگر متخصصان در زمینه های گوناگون از قبیل؛ اقتصاد، جامعه شناسی، مردم شناسی، علوم سیاسی مشورت و استفاده کنند. همچنین، نهادهای مدنی بویژه احزاب سیاسی (در صورتی احزاب واقعی وجود داشته باشند) می توانند نقش بسیار بسزایی در تدوین پیش نویس قانون اساسی ایفاء کنند. مبنای نگارش قانون اساسی مبانی حقوق بشری و موازین دموکراتیک^۲ است که در اسناد

بین المللی حقوق بشری تبیین شده است. چنانکه، امروز قانون اساسی بیشتر کشورها بر گرفته از اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. البته در تدوین قانون اساسی یک کشور شایسته است، مقتضیات زمان را در نظر گرفت و به اصطلاح به روز رسانی شود. یعنی آخرین اسناد بین المللی حقوق بشری و نیازهای خاص خود یک کشور در تدوین قانون اساسی در نظر گرفته شود. شایان ذکر است، از آنجایی که قانون اساسی افزون بر حقوق شهروندان، تشکیلات اداری کشور مانند شکل حکومت، ساختار اقتصادی و تقسیمات

کشوری را نیز مشخص می کند، در تدوین آن بالفعل تبدیل کنند.

ضمانت اجرای قانون اساسی وجود دموکراسی رعایت اصول حکمرانی مطلوب است که پیش نیاز و لازمه آن وجود قدرت های متعدد حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. البته در تدوین قانون اساسی یک کشور شایسته است، مقتضیات زمان را در نظر گرفت و به اصطلاح به روز رسانی شود. یعنی آخرین اسناد بین المللی حقوق بشری و نیازهای خاص خود یک کشور در تدوین قانون اساسی در نظر گرفته شود. شایان ذکر است، از آنجایی که قانون اساسی افزون بر حقوق شهروندان، تشکیلات اداری کشور مانند شکل حکومت، ساختار اقتصادی و تقسیمات

۲. دموکراسی و ارکان آن تفکیک قوا و وجود مکانیسم چرخش مسالمت آمیز قدرت (انتخابات آزاد) تضمین حقوق اقلیت در مقابل حکومت اکثریت (در اینجا منظور اقلیت های مذهبی، قومی یا جنسیتی نیستند، منظور اقلیتی در ساختار رای گیری است).

«اصول مادام العمری» در این قانون نیز باید حداقلی باشد.

مجله حقوق ما درباره موضوع چگونگی تدوین و تصویب پیش نویس قانون اساسی برای دوران پس از سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی در ایران با این فعال سیاسی گفت و گو کرده است.



جواد عباسی توللی

تدوین و تصویب قانون اساسی به مثابه یک سند مدرن و مهم در هر جامعه‌ای، تلاشی است برای جلوگیری از خودسری در آن جامعه و همچنین، به عنوان تضمینی برای دستیابی به حقوق شهروندان محسوب می‌شود.

به نظر شما در دوران پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، پیش نویس قانون اساسی آینده توسط چه کسانی باید نوشته شود؟

قانون اساسی مهم ترین سند میثاق ملی مردمانی است که در یک جغرافیای سیاسی قصد دارند با هم زندگی کنند و بر اساس اراده خود، حکومتی مبتنی بر حقوق بشر و دموکراسی پی‌ریزی کنند.

جامعه ایرانی یک جامعه همگن نیست. بنابراین، باید در تنظیم قانون اساسی، سلیقه‌های مختلف رعایت شود و نمایندگان آنها در تنظیم پیش نویس قانون اساسی حضور داشته باشند. بدین ترتیب، جمعی که قرار است پیش نویس قانون اساسی تهیه کنند، صرفاً از میان حقوق دانان یا فعالان سیاسی و مدنی انتخاب نخواهند شد بلکه همه کسانی که در ترمینولوژی بین المللی به آنها صاحبان سهام گفته می‌شود، یعنی سلیقه و نظر کسانی که دارای منفعت و علاقه ویژه‌ای در بخش‌هایی از قانون اساسی هستند، تا جایی

به بیان دیگر، قانون اساسی، سندی است که در آن حقوق اساسی و حقوق بنیادین شهروندان یک کشور به رسمیت شناخته شده و احقاق آن تضمین خواهد شد.

«چنین قانون اساسی‌ای را چه کسانی خواهند نوشت؟ مبنای نگارش قانون اساسی چه خواهد بود؟ چرا تاکنون با وجود حقوق دانان و صاحب نظران از گرایش‌های فکری و سیاسی مختلف، دست کم یک پیش نویس قانون اساسی، حداقل به شکل نمادین که مورد موافقت همگان باشد، ارائه نشده است؟»

حسن شریعتمداری، فعال سیاسی، شرط تضمین دموکراسی در ایران آینده را «باز ماندن باب اصلاحات در قانون اساسی» می‌داند و بر این باور است که قانون اساسی نه تنها باید مورد پذیرش اکثریت باشد و اقلیت‌های مختلف هم با آن تضاد ماهوی عمیقی نداشته باشند بلکه

شرط اصلی در تدوین قانون اساسی آینده ایران؛ پذیرش تکثر و حذف اصول مادام العمر





که با حقوق بشر و قوانین مترقی قرن بیست و یکم در تضاد نباشد، باید ملحوظ شود و این بدان معناست که باید جمعی باشند متشکل از نمایندگان احزاب، نمایندگان سلیقه‌های مختلف سیاسی، نمایندگان ملیت‌های مختلف در ایران، فعالان حقوق زنان، جوانان، صاحبان سرمایه، کارگران، متخصصان، حقوق‌دانان، دانشگاهیان، ورزش‌کاران، فیلم‌سازان و به همین ترتیب، سایر گروه‌های ذینفع اجتماعی باید نمایندگانی داشته باشند تا قانونی که تنظیم خواهد شد را از آن خود بدانند.

به بیان دیگر، قانون اساسی در نهایت باید مورد پذیرش اکثریت باشد و اقلیت‌های مختلف هم با آن تضاد ماهوی عمیقی نداشته باشند و در حقیقت، امیدوار باشند در تغییراتی که پیش خواهد آمد، قانون اساسی در جهتی اطلاق خواهد شد که خواسته‌های آنها را بیشتر تامین خواهد کرد و آنها چون حق دارند در یک جامعه دموکراتیک بکوشند تا به اکثریت تبدیل شوند، این امید را خواهند داشت تا در آینده بتوانند در قانون اساسی، تغییرات لازم را به وجود آورند. شرط این امر هم این است که قانون اساسی، باب اصلاحات را به روی خود نبندد.

همچنین، اصول مادام‌العمری در قانون اساسی باید حداقلی باشد. این قانون باید حاوی مهم‌ترین ارزش‌های ملی و بین‌المللی همچون اصل حفظ کرامت انسانی، حفظ نوع نظامی که توسط

اکثریت مردم تعیین می‌شود، برتری حقوق بشر بر قوانین داخلی و اصولی از این قبیل باشد. این اصول باید غیرقابل تغییر باشند. اصول دیگر قانون اساسی هم باید حداقل در فواصل نسلی، قابل تغییر و اصلاح باشد تا امید به تغییر برای کسانی که برای بار اول همه خواسته‌هایشان در قانون اساسی منعکس نشده است، ایجاد شود. بنابراین، باید جمع وسیعی حاوی افراد دارای اعتبار اجتماعی ویژه که این اعتبار را در اثر حیات ممتد سیاسی و خوشنامی خود کسب کرده‌اند از حقوق‌دانان، فعالان سیاسی، مدنی و اجتماعی و گروه‌های مختلف ذینفع مانند زنان،

اما در حال حاضر، نسل جدید خواهان کنار رفتن اسلام از ساحت سیاست شده‌اند. از طرف دیگر، دولت آینده باید اسناد بین‌المللی حقوق بشری را هم بپذیرد. به نظر شما با توجه به وضعیت موجود، قانون اساسی آینده بر چه مبنایی نوشته خواهد شد؟

آنچه که به آن اشاره کردید یکی از اشکالات مهم است اما تنها ایراد نیست. مملکت ما از گسل‌های مهم اجتماعی و سیاسی رنج می‌برد. به این معنا که امکان حصول توافق میان کسانی که در دو سوی این گسل قرار دارند به آسانی و در کوتاه مدت میسر نیست. این طور نیست که این موضوع را به دوران پس از گذار ارجاع دهیم و امیدوار باشیم در عرض مدت زمان کوتاهی به این توافق برسیم.

جوانان، ملیت‌های مختلف، کارگران، صاحبان صنایع و اقتصاددانان دعوت شوند تا آنچه از پیش‌نویس ارائه می‌دهند و در عرض چند روزی در مجلس موسسان مورد بحث قرار می‌گیرد، قابل تصویب باشد تا سپس در یک فرآیند آزاد به تایید مردم برسد.

یا دیگر اشکال اداره سیاسی کشور باور دارند، ایجاد کرده است. از طرف دیگر، آزادی دینی و آزادی وجدان مذهبی که در حقوق بشر قید شده با سنت استبدادی ما و داشتن مذهب رسمی سازگار نیست. دو سر گسل سنت و مدرنیته در

این توافق برسیم.

مبنای نگارش قانون اساسی آینده چه خواهد بود؟ در همه کشورها برای نوشتن قانون به سنت‌ها و عرف هم مراجعه می‌شود. در ایران با وجود آنکه دین اسلام ریشه‌ای قوی و تاریخی دارد

اینجا، هم‌زیستی راحت و آسانی با هم ندارند. همچنین گسل مرکز و حاشیه وجود دارد. باید برای وضعیتی آماده شویم که دین رسمی ملیت‌های ما همه می‌خواهند در آینده ایران نداشته باشیم. نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند و نظام سیاسی گسل‌های پنجگانه‌ای هم در سطح جامعه آینده را آن‌ها بسازند. درحالی که مرکزگرایان وجود دارد. در ایران گسل معیشتی وجود دارد. می‌خواهند سیستم متمرکزی بنا کنند و در هیچ موقع در ایران تفاوت فقیر و ثروتمند در حد کنونی نبوده است و تا این حد محروم اقتصادی نداشته‌ایم. همچنین گسل جنسیتی بین زنان و مردان و دگرباشان جنسی وجود دارد که اعتماد هم‌زیستی را کاهش داده است. خواهد شد و هر جا که به بن‌بست رسیدیم اعلام سیستم مردسالار سنتی نمی‌خواهد به آسانی اقتدار خود را از دست بدهد و زنان با تمام جان خود می‌کوشند که امتیازات مدرن جاری در دنیا را در ایران نهادینه کنند. گسل دیگر، گسل سنی است. ما جوانانی از نسل زد و نسل‌های دیگر داریم که تفاهمی با نسل‌های گذشته ندارند. همچنین گسل دانش در ایران وجود دارد به این معنا که بخشی از مردم بسیار دانا و بخش دیگری در حدود کم‌سوادی و بیسوادی هستند و از عامه مردم محسوب می‌شوند. اخیراً هم گسل شهروند و رعیت و امت ایجاد شده است. عده‌ای خود را شهروند احساس می‌کنند و می‌خواهند خودشان حکومت خود را تعیین کنند، در حالی که عده‌ای همچنان می‌خواهند یک شاه یا یک شیخ در بالای قدرت قرار داشته باشد و آن‌ها به او ارادت بورزند و او بر حسب ارادتی که آن‌ها دارند، مملکت را با عدالت اداره کند. ببخشیم تا گسل‌ها به شکاف‌های سطحی

تبدیل شود تا طوری به یک توافق عمومی دست پیدا کنیم که اکثریت از آن کاملاً راضی و اقلیت هم ۰۸۱ درجه مخالف آن نبوده و قانع شود که در آینده با اصلاحاتی می‌توان به نفع آن‌ها این اصول را بهبود بخشید. قانون اساسی در اتاق‌های در بسته تهیه نمی‌شود. برای نوشتن قانون اساسی باید سراغ کسانی رفت که از قوانین اساسی موجود ناراضی هستند. باید از آن‌ها پرسید که چه چیزی باید در قانون اساسی آینده نوشته شود تا راضی باشند؟ باید به این نکته توجه کرد که چگونه می‌توانیم به میانگینی دست پیدا کنیم که علاوه بر آن‌ها دیگران هم راضی باشند؟ چنین کوششی فقط در سطح گفت‌وگوهای جمعی در کلاب‌هاوس‌ها و سایت‌ها و نوشتن مقالات انجام شده است. یک تلاش سیستماتیک برای تنظیم قانون اساسی در حالتی که به آن اشاره کردم انجام نگرفته است. در دنیا تعداد زیادی کتب دانشگاهی مملو از تجربه‌های بین‌المللی وجود دارد که به این موضوع پرداخته‌اند که در جوامع در حال گذار چگونه قانون اساسی باید تنظیم شود، مشکلات و ظرایف کار چگونه است، چگونه می‌توان مشکلات را دور زد یا به راه حل نزدیک شد، از انبوه این کتاب‌ها، چیزی ترجمه نشده است. این کم‌کاری متأسفانه وجود دارد. اما در پاسخ به سوال شما، تعداد زیادی قانون اساسی خودخواسته در اتاق‌های در بسته تهیه شده که با مرور هر کدام به این نتیجه خواهید رسید، ایدئولوژی خاصی بر آن حاکم بوده و رغبت دیگران را در حدی که خود می‌پسندیده رعایت کرده و به سراغ دیگران نرفته است. این چنین نیست.

شما از عبارت «توافق عمومی» استفاده کردید. تا به حال برنامه مشخصی از طرف آنچه که در خارج از کشور تحت عنوان اپوزیسیون معرفی می‌شود، وجود نداشته است. به نظر شما دلیل این سرگردانی چیست؟ چرا تاکنون با وجود حقوق‌دانان و صاحب‌نظران از گرایش‌های فکری و سیاسی مختلف، دست کم یک پیش‌نویس قانون اساسی، حداقل به شکل نمادین که مورد موافقت همگان باشد، ارائه نشده است؟

در سال‌های گذشته متن‌های مختلف قانون اساسی نوشته شده است. اشکال در مورد نحوه برخورد با قضیه است. عده‌ای فکر می‌کنند قانون اساسی یک متن منقح و پخته‌ای است که جمعی با استفاده از تجارب بین‌المللی دموکراتیک با آنچه که در کشور روی می‌دهد در اتاق در بسته‌ای ترجیحاً در حضور چند حقوق‌دان می‌توانند آن را فرموله کنند. در صورتی که قضیه این چنین نیست.

گفت‌وگوی ملی؛ پیش‌شرط نگارش قانون اساسی آینده



جواد عباسی توللی

دموکراسی خواه، قانون اساسی آینده را چه کسانی خواهند نوشت؟

ایرانیان در طول بیش از یک قرن اخیر و به‌طور مشخص از انقلاب مشروطه تاکنون، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند استقرار یک حکومت دموکراتیک را در کشور تجربه کنند. به بیان دیگر، تجربه تاریخی ایران از پادشاهی یا حکومت دینی، استبداد و مقام مطلقه مادام‌العمر بوده که با دموکراسی سرسازگاری نداشته است.

در حال حاضر نیز به نظر می‌رسد با وجود شکل‌گیری خیزش‌های سراسری در چند سال اخیر علیه حکومت جمهوری اسلامی، اقشار و طبقات اجتماعی در ایران همچنان به فرم قابل‌اعتنایی از همبستگی جمعی برای نیل به دموکراسی، دست نیافته‌اند.

در چنین شرایطی و در نبود نهادهای مدنی و سیاسی قدرتمند در داخل کشور، پس از سقوط جمهوری اسلامی چه کسانی قرار است گرد هم آیند، قانون اساسی بنویسند و دولت تشکیل دهند؟

مجله حقوق ما برای بررسی این موضوع با کوروش پارسا، فعال سیاسی جمهوری‌خواه گفت‌وگو کرده است.

پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، قانون اساسی آتی بر کدام یک از گونه‌های مشروعیت استوار خواهد بود؟ موازین حقوق بشر و اسناد بین‌المللی؛ دین اسلام؛ یا سنت‌ها و عرف؟ همچنین، به نظر شما در نبود نهادهای مدنی از جمله تشکلهای حقوقی قدرتمند در ایران و در نبود احزاب

درست نیست بلکه باید گفت «حکومت حقوق»، بدین معنی که همه حقوق مردم در حکومت بعدی رعایت شود.

به‌طور کلی، در مورد شکل و محتوای قانون اساسی آینده، اجماع نهایی باید از مردم گرفته شود و مبنای نگارش پیش‌نویس قانون اساسی باید بر اساس یک گفت‌وگوی ملی باشد که به‌دست مجلس موسسان باید تهیه شود. نمی‌توان چیزی را به کسی یا گروهی از جامعه تحمیل کرد و همه باید به گفت‌وگو بنشینند

در چنين شرايطی و در نبود نهادهای مدنی و سیاسی قدرتمند در داخل کشور، پس از سقوط جمهوری اسلامی چه کسانی قرار است گرد هم آیند، قانون اساسی بنویسند و دولت تشکیل دهند؟

مجله حقوق ما برای بررسی این موضوع با کوروش پارسا، فعال سیاسی جمهوری‌خواه گفت‌وگو کرده است.

تا شکاف‌های مختلف در مورد سکولاریزم، ساختار غیرمتمرکز و مواردی از این دست را بتوان مدیریت کرد. در واقع دموکراسی یعنی مدیریت درست اختلافات و ساخت یک پروسه برای سازش و در مواقعی به چالش کشیدن یکدیگر تا در نهایت خواست‌های بخش‌های مختلف جامعه به رسمیت شناخته شود. البته جامعه هم در دوره‌های مختلف، مطالبات متفاوتی دارد به‌همین دلیل، همچنان مشخص نیست حتی پس از یک ایجاد زمینه برای یک گفت‌وگوی ملی، مجموعه خواست‌ها و گرایش‌ها یک جامعه به چه ترتیب خواهد بود. به زعم من، در نهایت باید مجلسی از طریق انتخابات تشکیل شود که مشروعیت مردمی و دموکراتیک داشته باشد تا پس از آن، بتوان درباره قانون اساسی آینده تصمیم‌گیری کرد.

هرچند ممکن است در دوران گذار، یک شورای رهبری، قدرت را دست گرفته و قانون اساسی بنویسد اما ایده‌آل این است که مجلس موسسان درباره قانون اساسی آینده تصمیم‌گیری کند.

شما اشاره کردید که برخی گروه‌ها، پیش‌نویس‌هایی از قانون اساسی تهیه کرده‌اند. به نظر شما چرا پس از گذشت ۵۴ سال، تاکنون یک قانون اساسی که دست‌کم مورد توافق همگانی قرار گرفته باشد، هنوز تهیه نشده است؟

به دلیل اینکه گرایش‌های سیاسی مختلفی وجود دارد و هیچ‌کدام هم، وزن و جایگاه خود را به‌درستی نمی‌دانند. توافقات نیروهای مختلف اعم از چپ، لیبرال، محافظه‌کار یا نیروهای طرفدار استبداد بر

روی کاغذ ساده است اما در عرصه عمل، اختلافات به‌قدری زیاد است که نهایتاً توافقات، حداقلی خواهد شد. بستگی دارد کدام نیروها در نظر گرفته شوند. باید نخست دید کدام نیروها، دموکراسی‌خواه هستند. برای نمونه، نیروی وسیع و پراکنده‌ای تحت عنوان جمهوری‌خواه وجود دارند که خواسته‌های آنها تا ۰۹ درصد با یکدیگر مشترک است. حتی نیروهای ملی-مذهبی داخل کشور، طرفداران جبهه ملی ایران یا طرفداران میرحسین موسوی که از قانون اساسی فعلی عبور کرده‌اند و همچنین، اعضای نهضت آزادی ایران فارغ از راهبردهایشان که از اصلاح‌طلبان داخلی محسوب می‌شوند اما به‌طور کلی، خواسته‌های جمهوری‌خواهانه و دموکراسی‌خواهانه دارند و باید با یکدیگر به یک توافق حداقلی برسند و اتحاد عمل داشته باشند.

یا در نمونه‌ای دیگر، همبستگی فراگیر برای آزادی و برابری، شامل ۵۱ گروه کوچک و بزرگ جمهوری‌خواه می‌شود که بسیاری از آن‌ها از گروه‌های ائتیمی بوده و جمهوری‌خواه فدرال محسوب می‌شوند. همچنین، «همگامی برای جمهوری سکولار دموکرات» هم ائتلافی از پنج گروه جمهوری‌خواه خارج از کشور است. اتاق فکری هم تحت عنوان «هم‌اندیشی» و خرده‌بلوکی از «شبکه هم‌گرایی» هم وجود دارد. همه این نیروهای پراکنده را می‌توان جزو بدنه دموکراسی‌خواه جامعه به حساب آورد.

حال اگر طیف‌ها و جریان‌های سیاسی یاد شده، ویژگی‌های نظام مطلوب خود را ارائه دهند، امکان گفت‌وگو فراهم خواهد شد. در مورد همه زوایای مطالبات می‌توان بحث کرد و به یک توافقی رسید. حتی می‌توان یکدیگر را به چالش کشید و بحث را

درون جامعه برد. اصلاحات خاتمی هم یک دوره، رشد جامعه مدنی کشورهایی همچون سوئد و آلمان، قانون اساسی مبتنی بر اصول سوسیال دموکراسی دارند و برخی کشورها لیبرال دموکراتند. متأسفانه بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌ها همچنان برنامه واقعی و مشخصی ندارند با این اوصاف اما تعدادی از گروه‌ها هم‌اکنون نیز قانون اساسی خود را آماده کرده‌اند. به‌عنوان مثال، گروهی از افراد منتسب به ابوالحسن بنی‌صدر، چند سال پیش قانون اساسی پیشنهادی خود را نوشتند. شمار دیگری از نیروها هم قانون اساسی مشروطه را که برای دوران فعلی، عقب مانده محسوب می‌شود را به‌عنوان قانون اساسی در نظر گرفته‌اند.

جمهوری اسلامی دهه‌هاست جامعه مدنی ایران را زیر ضرب برده است. به نظر شما در چنین شرایطی، پس از سقوط جمهوری اسلامی و در نبود نهادهای مدنی و سیاسی قدرتمند در داخل کشور، چه کسانی قرار است گرد هم آیند، قانون اساسی بنویسند و دولت تشکیل دهند؟

بیش از ۰۰۱ سال است که جامعه ایران در تکاپوی گذار به دموکراسی و انتقال قدرت به مردم است. قدرتی که مشروعیت آن از طرف خدا و سایه خدا نباشد.

تجربه نشان داده است که با ایجاد فضای باز سیاسی، گروه‌ها و نهادها هم شکوفا شده و گفت‌وگوها و بحث‌ها ایجاد خواهد شد. در گذشته نیز مانند انقلاب سال ۷۵۳۱، هر زمان فضای باز ایجاد شده، تجربه تشکیل نهادها و احزاب را داشته‌ایم. پس از دوره

اصلاحات خاتمی هم یک دوره، رشد جامعه مدنی را تجربه کردیم. هم‌اکنون نیز شبکه مقاومت مدنی وجود دارد. می‌بینیم که گروه‌های مختلف اجتماعی برای رسیدن به مطالبات‌شان یکدیگر را پیدا می‌کنند و اعتبار می‌سازند. تشکل‌های معلمان، تشکل‌های کارگران، گروه‌های صنفی پرستاران و پزشکان و کانون وکلا، همگی با وجود سرکوب‌ها، میدان را خالی نکرده‌اند. اگر مرحله اول شکل‌گیری نهادهای مدنی، جمع شدن سرمایه اجتماعی باشد، این موضوع در بخش‌های مختلف در حال انجام است. همچنین، فعالانی قوی در جنبش زنان و متفکرانی در جنبش دانشجویی حضور دارند. از سوی دیگر، پس از سقوط جمهوری اسلامی، در خارج از ایران هم اگر گروه‌های فکری قوی با داخل ایران ارتباط داشته باشند، می‌توانند در شکل گرفتن احزاب در آینده کمک کنند. همه اینها استخوان‌بندی یک جامعه دموکراتیک محسوب می‌شوند.

در نهایت اما نیروها و جریان‌هایی می‌توانند حزب ایجاد کنند و ائتلاف‌هایی را بسازند که برنامه‌های جدی و واقعی برای اداره کشور داشته باشند. در آینده خواهیم دید زمانی که تمام نیروهای موجود در جمهوری اسلامی از هم بپاشند، دوباره احزاب تازه ایجاد خواهند شد.

در نتیجه نباید نگران شکل‌گیری نهادهای مختلف پس از گذار بود. حتی اگر پس از جمهوری اسلامی، بار دیگر یک نیروی تمامیت‌خواه هم بر سر کار آید، چالش بزرگی بین نیروهای دموکراسی‌خواه و طرفداران استبداد خواهیم داشت چرا که در حال حاضر بخش بزرگی از جامعه، خواست‌های دموکراتیک و حقوق بشری دارند.

امر دوطرفه می‌داند و بر این باور است که هرچند تحولات سیاسی - اجتماعی همواره در درون کشور رقم خواهند خورد اما جهت‌دهی به این تحولات به‌دست مخالفان سیاسی در خارج از کشور انجام خواهد شد.

مجله حقوق ما برای بررسی دلایل ناکامی مخالفان جمهوری اسلامی دست‌کم برای تهیه یک پیش‌نویس قانون اساسی که مورد توافق اکثریت مردم ایران باشد، با این حقوق‌دان گفت‌وگو کرده است.

در دوران پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، پیش‌نویس قانون اساسی توسط چه کسانی باید نوشته شود؟

زمانی که یک انقلاب محقق می‌شود، چند نمونه پیش‌نویس قانون اساسی توسط طیف‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که مجمعی از نمایندگان منتخب مردم هستند و به‌طور مستقیم توسط مردم انتخاب شده‌اند، نوشته می‌شود. یعنی چند پیش‌نویس قانون اساسی با تعیین نوع نظام سیاسی که می‌تواند پادشاهی مشروطه، جمهوری سوسیالیستی یا از هر گرایش سیاسی دیگری باشد توسط نمایندگانی که مردم مستقیماً در انتخاب آن‌ها نقش داشته‌اند تنظیم شود. این روش باعث می‌شود مشارکت گسترده مردم در تدوین قانون اساسی تضمین شود.

نقش حقوق‌دانان، گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و نهادهای مدنی در نگارش قانون اساسی آینده به چه ترتیب خواهد بود؟

گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی می‌توانند در



آفاق ربیعی زاده

نشست مشترک هشت تن از مخالفان شناخته شده حکومت جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ در دانشگاه جرج تاون را شاید بتوان آخرین تلاش جمعی بخش قابل توجهی از مخالفان سیاسی حکومت ایران برای تشکیل یک اپوزیسیون متحد دانست که به شکست انجامید. به دلیل سطح بالای سرکوب جامعه مدنی و جریان‌های سیاسی در داخل کشور از یک‌سو و نیز به‌خاطر بروز اختلاف نظر، نفوذ نهادهای امنیتی ایران در میان مخالفان و مصادره‌طلبی برخی از جریان‌های سیاسی در خارج از کشور از سوی دیگر، کلیت مخالفان سیاسی - جمهوری اسلامی در طول ۵۴ سال اخیر همچنان نتوانسته‌اند دست‌کم به پیش‌زمینه‌های لازم برای تشکیل یک اپوزیسیون متحد از جمله تهیه یک پیش‌نویس از قانون اساسی که مورد توافق همگان باشد، دست پیدا کنند.

قانون اساسی به‌عنوان عالی‌ترین سند برای اداره یک کشور است که به‌مثابه راهنمایی برای تدوین و تصویب قوانین دیگر عمل خواهد کرد و در صورت سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی پیش از هرچیز باید این سند به رأی عمومی گذاشته شود. فروغ شیخ الاسلامی، حقوق‌دان و وکیل دادگستری ساکن پاریس، ایجاد یک اپوزیسیون متحد علیه حکومت جمهوری اسلامی را یک

ناکامی مخالفان سیاسی حکومت ایران و مسأله قانون اساسی آینده



شکل‌گیری گفتمان عمومی در قانون اساسی نقش فعالی داشته باشند. نهادهای مدنی می‌توانند در زمینه نظارت بر روند تدوین قانون اساسی و تضمین مشارکت گسترده مردم، نقش مهمی را ایفا کنند. همچنین صاحب‌نظران حقوق و صاحب‌نظران علوم سیاسی، دو طیفی هستند که نقش بسیار مهمی در تدوین قانون اساسی دارند. آن‌ها می‌توانند با تدوین یک پیش‌نویس جامع و کامل این اطمینان را به دست آورند که قانون اساسی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری مطابقت داشته باشد. اینجا نقش حقوق‌دانان بسیار موثر است چراکه قانون اساسی باید بر اساس موازین و استانداردهای حقوق بشر و میثاقین بین‌المللی تدوین شود. در این مقطع، نقش حقوق‌دانان می‌تواند تضمین‌کننده این موضوع باشد که قانون اساسی بر اساس استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر نوشته شده است یا خیر.

این گروه‌ها، تنها در خارج از کشور می‌توانند حضور خود را به اعلام عموم بگذارند اما بخش کثیری از ایرانیان در داخل کشور هستند و به آن‌ها دسترسی شفاف و مستقیمی ندارند. به این ترتیب با اعلام نمایندگی هر گروهی، افرادی وجود خواهند داشت که این نمایندگی را نمی‌پذیرند. با این شرایط تکلیف چیست و آیا تدوین پیش‌نویس توسط طیف‌های مختلف امری شدنی است یا خیر؟

به نظر من تغییر در داخل ایران رخ می‌دهد. هر طیف اپوزیسیون در خارج از کشور این امکان را دارد که پیش‌نویس خود را بنویسد یا نظراتش را ارائه دهد اما تغییر و تحول از داخل کشور آغاز می‌شود. در خارج از کشور سازمان‌ها و نهادهای

به نظر شما چرا تاکنون مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور حتی به صورت نمادین هم نتوانسته‌اند یک پیش‌نویس از قانون اساسی پیش از گذار ارائه دهند؟

اشکال کار اینجاست که اختلافاتی میان اپوزیسیون پیش آمد. هر کدام از طیف‌های موجود از راست تا چپ می‌توانستند نمایندگانی از میان خود انتخاب کرده و پیش‌نویس‌هایی از قانون اساسی تهیه کنند و بعدها این پیش‌نویس‌ها می‌توانستند اعلام عمومی و به فراندوم گذاشته

فعال حقوق بشری و سازمان‌ها و نهادهای سیاسی می‌توانند در جهت‌دهی‌های داخلی مردم نقش مهمی ایفا کنند. اگر به‌خاطر آوری در طی خیزش زن، زندگی، آزادی بخش زیادی از مردم در داخل ایران امیدوار بودند. زمانی شعله‌های این خیزش فروکش کرد که اختلافات میان اپوزیسیون ایجاد شد. تا وقتی که گروه‌های مخالف با وجود نظرات مختلف و دیدگاه‌ها و خط فکر متفاوت، دست به دست هم داده و اتحاد خود را اعلام کردند، شعله‌های امید در دل مردم روشن شد. به‌محض بروز اختلافات، شعله‌های انقلاب فروکش کرد. این موضوع یک امر دوطرفه است. هرچند تحولات سیاسی- اجتماعی همواره در درون کشور رقم خواهند خورد اما جهت‌دهی به این تحولات به‌دست مخالفان سیاسی در خارج از کشور انجام خواهد شد.

چه تضمینی وجود دارد که مواد و بندهای موجود در قانون اساسی تدوین شده موجب خشونت، تبعیض و آسیب و آزار نسبت به گروهی از اجتماع نشود؟

موازین و مبانی حقوق بشری و استانداردهای بین‌المللی در سطح جهانی وجود دارد. وقتی کمیته‌ای متخصص از حقوق‌دانان و صاحب‌نظران علوم سیاسی در تدوین قانون اساسی نظارت داشته باشند می‌تواند موجب تضمین شود. درست است که پیش‌نویس‌ها توسط طیف‌های مختلف نوشته می‌شود اما به فراندوم گذاشته و در نهایت به انتخاب مردم می‌رسد. هر پیش‌نویس باید کمیته حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و متخصصان علوم سیاسی خود را داشته باشد.

در نهایت این تضمین با تدوین قانون بر اساس چارچوب موازین حقوق بشری و استانداردهای بین‌المللی حاصل خواهد شد.

مبنای نگارش پیش‌نویس قانون اساسی چه خواهد بود؟ موازین حقوق بشر و اسناد بین‌المللی؟ دین اسلام؟ یا سنت‌ها و عرف؟

برای تدوین قانون اساسی باید همچون تمام جوامع متمدنی مثل فرانسه مراحل توسعه سیاسی طی شود. با نگاه به تجربیات کشورهای متمدنی و نگاه به قوانین اساسی کشورها و در کل با یک نگاه تطبیقی بر اساس موازین حقوق بشری و استانداردهای بین‌المللی باید قانون اساسی تدوین شود.

در خصوص اینکه آیا مذهب، سنت و عرف

دوران گذار و مسأله پیش‌نویس قانون اساسی



جواد عباسی توللی

حکومت جمهوری اسلامی، پیش‌نویس قانون اساسی آینده را چه کسانی باید بنویسند؟ نقش حقوق‌دان‌ها، گروه‌ها، سازمان‌ها و فعالان سیاسی و نهادهای مدنی‌ای که با وجود همه سرکوب‌ها همچنان باقی مانده‌اند، در نگارش قانون اساسی آینده چه خواهد بود؟ اساساً قانون اساسی بعدی در ایران بر چه مبنایی باید نگاشته شود؟

مجله حقوق ما، برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها با پگاه بنی‌هاشمی، حقوق‌دان و پژوهش‌گر ارشد مدرسه حقوق دانشگاه شیکاگو، گفت‌وگو کرده است.

در دوران پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، پیش‌نویس قانون اساسی

توسط چه کسانی باید نوشته شود؟ در دیدگاه من، قانون اساسی، یک سند قانونی بسیار تخصصی است و که حتی صرف حقوق‌دان بودن نیز برای انتخاب نگارندگان و تدوین کنندگان آن کفایت نمی‌کند.

متخصصان حقوق عمومی (waL cilbuP) و کسانی که در این زمینه کار کرده‌اند، اشخاصی هستند که در آماده‌سازی و نوشتن پیش‌نویس قانون اساسی باید نقش اصلی را ایفا کنند.

قانون اساسی ایران که مصوب ۸۵۳۱ است از همان ابتدا با اشکالات زیادی به تصویب رسید. یکی از اشکالات مربوط به عدم تسلط هیات نویسندگان قانون اساسی بر قانون نویسی بود.

قانون اساسی به‌عنوان مهم‌ترین سند مربوط به حقوق عمومی و حقوق اساسی در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود و در ایران برای نگارش و تصویب یک قانون اساسی عام الشمول در دوران پس از سرنگونی جمهوری اسلامی باید همه اقشار جامعه اعم از فعالان مدنی، احزاب و سازمان‌های سیاسی، حقوق‌دانان، کارگران و سایر طبقات و نهادهای اجتماعی دیگر در نگارش و تصویب آن مشارکت برابر داشته باشند. به‌بیان دیگر، بیش از برانداختن استبداد در ایران، تدوین و تصویب یک قانون اساسی که متضمن تحقق دموکراسی و دوام آن باشد، اهمیت دارد.

از سوی دیگر اما عوامل بازدارنده مختلفی برای گذار به دموکراسی و استقرار یک دولت قانونی در ایران می‌توان متصور بود. به‌دلیل استیلای حکومت‌های استبدادی در صد سال اخیر در ایران و متعاقب آن، سرکوب حداکثری کنش‌گران حقوق بشر و مخالفان سیاسی، در حال حاضر، ایران با یک جامعه مدنی متشتت روبه‌روست و امکان شکل‌گیری سازمان‌ها و تشکل‌های منسجم و دموکراتیک شهروندی در آینده نزدیک دست‌کم برای نگارش و تصویب زودهنگام پیش‌نویس از قانون اساسی، بسیار ضعیف است.

«در چنین شرایطی، در صورت سرنگونی



بنابراین تخصص در این زمینه بسیار مهم است. به بیان دیگر، اینکه مطالبات و خواسته‌های جامعه چگونه در قانون نمود پیدا کند و اصول قانونی، دقت کافی را داشته باشند، مساله‌ای که است که در تخصص افرادی قرار دارد که در این زمینه کار کرده‌اند.

نقش حقوق دانان، گروه‌ها، سازمان‌ها و فعالان سیاسی و نهادهای مدنی در نگارش قانون اساسی آینده چه خواهد بود؟

بسیار مهم است که یک محیط هم‌فکری و تبادل گفت‌وگو ایجاد شود. در غیر این صورت، اختلاف‌های بسیاری پیش خواهد آمد. چرا که پس از تجربه تلخ جمهوری اسلامی به این مرحله خواهیم رسید که همه ممکن است احساس کنند نظرات و زوایای دیدشان لحاظ نشده است. به همین دلیل همگرایی و اتحاد می‌تواند به نوشتن پیشنویس یک قانون اساسی مناسب حال همه، کمک‌کننده باشد. اگر چه اصل قانون نویسی باید توسط هیات حقوقدانان متخصص نوشته شود اما باید این را در نظر داشت که حقوقدانان بر تمام زوایای موضوعات اجتماعی امکان تسلط کامل ندارند. به همین منظور با شکل‌گیری کارگروه‌های تخصصی و همفکری میان هیات نویسندگان و این کارگروه‌ها امر تهیه پیش نویس قانون اساسی بهتر شکل خواهد گرفت.

برای نوشتن قانون در هر جامعه‌ای به عرف و اخلاق عمومی آن جامعه مراجعه می‌کنند. امروز بسیاری از جوانان تمایلی ندارند که اسلام در ساحت سیاست دخالت کند اما از طرفی در کشور ما دین اسلام، ریشه تاریخی دارد. به نظر شما مبنای نگارش قانون اساسی چه خواهد بود؟ موازین حقوق بشر و اسناد بین المللی؟ دین اسلام؟ یا سنت‌ها و عرف؟

مبنای قانون اساسی الزاما باید در بر گیرنده حقوق تمام شهروندان، عقاید مختلف و همه‌شمول باشد. اگر این مورد در نظر گرفته نشود، از چاه به چاله دیگری خواهیم افتاد.

همچنان هم بسیاری دیندار و معتقد هستند. قانون اساسی این مساله را در آمریکا حل کرد. بر اساس قانون، هر کس می‌تواند به یک دین معتقد باشد و به خاطر باورهای خود نباید مورد پرسش قرار گیرد. همچنین بر مبنای همین قانون، افراد می‌توانند به هیچ دین و مذهبی باور نداشته باشند و در عین حال باید مورد احترام قرار گیرند. بنابراین اگر بگوییم دین در قانون آینده ایران اصلا نباید وجود داشته باشد همانقدر غلط است که بگوییم وجود دین الزامی است. ما باید شرایط آزادی حقوق شهروندی را مهیا کنیم که تمام دین باوران، خدا باوران و تمام افرادی که هیچ دین و مذهبی ندارند باشند تا در یک سرزمین با آزادی عقاید در کنار هم زندگی کنند.

بنابراین، مواردی همچون لحاظ یا عدم لحاظ دین در قانون اساسی، از جمله مسائلی است که در هم‌فکری‌ها بهتر می‌توان در موردشان تصمیم‌گیری کرد. در حقیقت یک سوال مهمی که باید پرسیده شود این است که اگر بخواهیم مبنای دینی را وارد قانون اساسی کنیم، آیا می‌توان هم‌زمان مبنای بی‌دینی را هم وارد کرد؟ این نکته مهمی است که اگر در تدوین قانون، طیفی را در نظر می‌گیریم، باید هم‌زمان این امکان وجود داشته باشد که حقوق دیگران را هم رعایت کنیم.

به‌عنوان مثال کشور آمریکا، کشوری است که افراد زیادی در آن به مسیحیت اعتقاد دارند و به نظر شما چرا تاکنون افرادی که در خارج از کشور تحت عنوان اپوزیسیون فعالیت می‌کنند، نتوانسته‌اند پیش‌نویس یک قانون اساسی که مورد توافق همه باشد را تدوین کنند؟

به نظر من نوشتن قانون اساسی، کار اپوزیسیون نیست. اولین قدم برای تهیه پیش نویس قانون اساسی تشکیل هیاتی از حقوقدانان و متخصصین است.

جمعی از حقوقدانان داخل و خارج از ایران که با گذر از اختلافات قادر به همکاری با یکدیگر باشند. اگر چه من نقش مشورتی و استفاده از تجارب بین المللی برای حقوقدانان خارج از کشور قایل هستم.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net